

# ارتباطات جهانگستر و تمدن اطلاعاتی

(تأملی درون متنی در بازتابندگیهای فضایی)

دکتر جعفر جوان

عضو هیأت علمی گروه جغرافیا - دانشگاه فردوسی مشهد

عبدالله عبداللهی

دانشجوی دوره دکتری جغرافیا - دانشگاه فردوسی مشهد

## چکیده

پیشرفت فن‌آوریهای ارتباطی، اطلاعات گرایبی و سرمایه‌داری افسار گسیخته محرکهایی هستند که در قالب فرآیند جهان شدن، تمدنی نوین را در عرصه‌های گوناگونی زندگی اجتماعی فرصت ظهور داده‌اند. بازتاب فضایی این تمدن اطلاعات - محور در فضای قلمرو زدایی شده و زمان غیرخطی خود را نمایان می‌سازد. پیش‌زمینه درک ماهیت هستی‌شناختی این تمدن، بررسی روابط تعاملی میان فرآیند جهانی شدن، ارتباطات جهان روا، اطلاعات گرایبی و پرسترویکای سرمایه‌داری (وقوع تعدیل ساختاری در نظام سرمایه‌داری و تغییر چهره آن از شکل سازمان یافته یا اقتصاد فوردیستی به شکل سازمان نیافته یا اقتصاد پسا فوردیستی) و بیان مشخصه‌های تمدن اطلاعاتی است. بر این اساس، مقاله حاضر با درپیش گرفتن رهیافتی پسامدرن و مترتب بر ماهیت هستی‌شناختی تمدن اطلاعاتی (یک تمدن - تمدنهای بسیار) نگرشی درون متنی به تمدن اطلاعاتی را هدف قرار داده است.

**واژه‌های کلیدی:** ارتباطات جهان‌گستر، اطلاعات گرایبی، پرسترویکای سرمایه‌داری، تمدن اطلاعاتی، بازتاب

فضایی

## درآمد

« جهان نه گرد پایه‌گذاران هیاهوهای نو، که گرد پایه‌گذاران

ارزشهای نو می‌گردد، با گردش بی‌صدا»

(نیچه، ۱۳۸۲، ۱۴۶).

عصر انسان امروزی، عصر گذار است. عصر اندیشه و گفتمان، فراسوی منولوگهای خردآیین و عقل محور دکارتی، عصر عبور از کلام محوری، واسازی متافیزیک حضور (دریدا)، عصر گذر از کلان - روایتها<sup>۱</sup> (لیوتارد) و عصر گسستن از تمایزات و قطعیتها و آری گویی به هر گونه تناقص و کثرت، ضدیت با هر گونه سلسله مراتب و خودبرتری و ... است.

آنچه گذشت، موضعی مخالف در مقابل سلسله مراتبهای ارزشی، استانداردهای خردباور و فراگفتمانهای ایدئولوژیک است که فلسفه پسا - مدرنیسم از خود بروز میدهد. همان مشرب فکری و فلسفی که قدر مسلم از نظر هستی شناختی<sup>۲</sup> کنترل همه دگرگشتها و تحولات تکنولوژیک در عرصه ارتباطات و اطلاعات را بر عهده دارد. بر اساس این پیش درآمد، نوشتار حاضر، با طرح این پرسشها می‌آگارد، که آیا تحولات تکنولوژیکی کنونی در عرصه ارتباطات و اطلاعات، در نهایت تمدنی نوظهور از خود بر جای می‌نهند؟ آیا تمدن اطلاعاتی نوظهور بر بنیان «منزلت صحبت کردن به جای / برای دیگران را از آن خود می‌داند» (تاجیک، ۱۳۸۱، ۷)، یا منطق کثرتگرایی<sup>۳</sup> و غیرپذیری بر آن حاکم است؟ آیا بازتاب تمدن اطلاعاتی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی شالوده‌های سنتی فضا و زمان را در هم شکسته است؟ آیا تمدن اطلاعاتی مبتنی بر فلسفه پسا - مدرنیسم در بستر فرآیند جهانی شدن<sup>۴</sup> نمود می‌یابد؟

در پی یافتن پاسخی بر این پرسشها پیش فرض نوشتار حاضر این است که؛ تمدن در حال تکوین اطلاعاتی و جهانی شدن از منظر هستی شناختی، در کلیتی فراگیر، اصول حاکم بر فلسفه پسا - مدرن را بر می‌تابند و پارادایم جدید ارتباطات<sup>۵</sup>، اطلاعات گرای و پروسترویکای سرمایه‌داری و شکل بی‌سازمان آن، همچون حلقه‌های زنجیر، محرک اصلی فرآیند جهانی شدن هستند. که در فرجام کار، فراسوی زمان

<sup>1</sup> **Narrative, Grant**؛ روایت کلان داستانی است که مدعی شأن و جایگاه فراوایی عام و جهانی یا همه شمول است. روایت‌های کلان مدعی کلیت بخشیدن به حوزه روایت هستند، تا از این طریق توالی ذاتی لحظات تاریخی را بر حسب الهام فراقنی شده یک معنی سازماندهی کنند. از اینرو بر آنند تا تمایزات، افتراقتها، تفاوتها و اختلافها را باید فرو نشانند، تمام روایتها را بدون کم و کاست باید به خودشان برگرداند و هر چیزی را واداشت تا به زبان خود صحبت کنند.....(نوذری، ۱۳۸۰، ص ۴۸۷). حال در عصر امروز که مدام صحبت از کثرتها و پراکندگیهاست و جهانی شدن در کنار خود محفل و بزم پایکوبی تمایزات را نیز به ارمغان آورده است و افزایش حرکات تجزیه طلبانه و هویت خواهانه اقوام و فرهنگهای متکثر در جای جای جهان مؤید این مدعاست. پرواضح است که دیگر جایگاهی برای روایت‌های کلان مانند ایدئولوژیهای وحدتگرا و ... متصور نیست....

<sup>2</sup> *Ontology*

<sup>3</sup> *Pluralism*

<sup>4</sup> *Globalization*

<sup>5</sup> *Communication*

خطی رایج در دورهٔ رنسانس و فضای قلمروی و مکانمند دورهٔ مدرن، در زمانی بی‌زمان و فضایی سرزمینی<sup>۶</sup>، تمدن مشترک جهانی (اطلاعاتی) را نتیجه می‌دهند. اما بازتاب فضایی تمدن اطلاعاتی در پهنه گیتی از نظرگاه هستی‌شناختی، ماهیت تکنولوژی اطلاعاتی<sup>۷</sup> و ارتباطی - که به هیچ وجه امری تکنولوژیک نیست (هایدگر، ۱۳۷۷، ۲۳) - را پیش می‌کشد. که تفسیر نمود تجریدی و عینی آن، در بستر فضاهای سرزمینی و متنی، به هیچ روی با خردباوری<sup>۸</sup> و قطعی‌نگری میسر نیست و رهایی از این واقع‌نگریهای ایزکتیو، رهیافتی نسبی‌نگر می‌طلبد (احمدی، ۱۳۸۱، ۳۷-۵) تا همپای نقطه عزیمت تئوریک این نوشتار باشد و نتایج مورد نظر این گفتار را روشن سازد.

### جهانی شدن و پارادایم تکنولوژی ارتباطات

تحولات تکنولوژیکی، بر خلاف علل ساختاری و تقریباً نمادین و نامرئی جهانی شدن (سرمایه‌داری، اطلاعات، تفکر فلسفی پسامدرن) - که موجب ظهور فوق قلمروگرایی شده‌اند -، به آسانی قابل مشاهده و تفسیر هستند. بدیهی است که جهانی شدن، بدون نوآوریهای گسترده در زمینهٔ حمل و نقل، ارتباطات و داده‌پردازی امکان پذیر نمی‌شد. مضاف بر این صنعتی شدن<sup>۹</sup> بطور کلی در ایجاد مشکلات زیست محیطی، فرامرزی و پساملی نقش مرکزی را ایفا کرده‌است. این بدان معناست که تکنولوژی آشکارا نقش بنیادین در آفرینش فضاهای فراملی، فراقلمروی و سیاره ای داشته‌است. اختراع تلگراف در سال ۱۸۳۷، تلفن در سال ۱۸۷۶، بی‌سیم در سال ۱۸۹۵، هواپیما در سال ۱۹۰۳، تلویزیون در سال ۱۹۲۶، موشک با سوخت مایع، در سال ۱۹۲۷، کابل هم محور در سال ۱۹۳۰ و کامپیوتر دیجیتال در سال ۱۹۴۶؛ همه رویدادهای علمی و محرکه های ارتباطی تکوین فرآیند جهانی شدن بوده‌اند. به علاوه ابداع سیستم بتری پرکنی اتوماتیک و فرآیندهای کنسروسازی و منجمدسازی موجب شد تا کالاهای مصرفی خاصی به فرآورده‌های جهانی اولیه تبدیل شوند. در همین حال اختراع کلرو فلوئوروکربن‌ها (CFCs) در سال ۱۹۳۱ زمینهٔ تخریب بعدی لایهٔ ازن را پدید آورد (شولت، ۱۳۸۲، ۱۲۰). پیامدهای این تحولات بدون شک در دوره‌های بعدی شکل‌گیری این فرآیند و افق آیندهٔ جهان به مراتب چشمگیرتر خواهد بود. انقلاب ارتباطی و پارادایم نوظهور ارتباطات جهانی فرجام دو جریان، و تحول در عرصه ارتباطات هستند: نخست جریانی که همزمان با تلاش شدید شرکتها برای جهانی شدن آنها، به سرعت در صنایع رسانه‌ای تمرکز یافت.

<sup>6</sup>.Territory

<sup>7</sup>.Informational Technology

<sup>8</sup>.Rationalism

<sup>9</sup>.Industrialize

جریان دوم: توسعه ارتباطات دیجیتالی و پیشرفتهای فنی مرتبط با آن؛ نظیر ارتباط از طریق تلفن همراه است که ارتباطات را کم هزینه تر و در دسترس تر می کند. از سوی دیگر دیجیتالی کردن ارتباطات، مردم را به ارتباط جهانی ترغیب کرده است، چرا که انتقال اطلاعات در پهنه کنونی گیتی می تواند تقریباً به طور همزمان و با بهایی نسبتاً ارزان صورت گیرد (مکچسنی، ۱۳۷۹، ۳۰-۳۳).

پارادایم نوین ارتباطات، فراسوی سلسله مراتب ارزشی حاکم بر جوامع سنتی پیشین، ارتباط ساکنان سیاره زمین را در گستره‌ای افقی، فراهم آورده است. نیوت گینگریج در توصیف دوران جدید ارتباطات می گوید:

«هر روز جمع بیشتری از مردم امکان می یابند که فراتر از ساختارها و سلسله مراتب جمعی، در پناه گوشه‌های امنی - که انقلاب اطلاعاتی ایجاد کرده است - به فعالیت بپردازند. بر خلاف انقلاب صنعتی که مردم را گروه گروه به داخل سازمانهای عظیم اجتماعی مانند؛ شرکتهای بزرگ و اتحادیه‌های بزرگ و دولت - ملت‌های مدرن راند، انقلاب ارتباطات و انفجار اطلاعات در حال از هم پاشیدن این غولها و هدایت ما به سوی آن چیزی است که با کمال تعجب بیشتر شبیه به آن آمریکایی است که توک ویلی<sup>۱۰</sup> برای سالهای ۱۸۳۰ مجسم کرده بود» (داوسن و بلامی فاستر، ۱۳۷۹، ۷۶).

بنابراین فرآیند در حال تکوین جهانی شدن - که *مارتین آلبرو*<sup>۱۱</sup> آن را فرآیند محلق شدن ساکنان سیاره زمین به جهان اجتماعی واحد می داند (Baylis and smith, 1997, 15) - هم به عنوان پیامد ظهور پارادایم نوین ارتباطات و هم به عنوان عامل برانگیزاننده گسترش روزافزون آن، بویژه از چشم انداز معرفت شناختی، بیشترین بازبهای فضایی خود را، در عرصه اقتصاد جهانی شده بر جای می نهد. به گونه ای که *دیوید هاروی*<sup>۱۲</sup> عامل بنیادین فشرده و لحظه‌ای شدن جریانات مالی و هماهنگ بین المللی را ارتباطات کامپیوتری شده و الکترونیکی بر می شمارد (Waterz, 2001, 67).

در پهنه اقتصاد جهانی شده، امروزه فراتر از مرزهای تعریف شده دولت ملتها<sup>۱۳</sup>، در کنگره وستفالی، شرکتهایی پا به عرصه وجود نهاده اند که در پرسش از هویتشان، خود را چند - ملیتی<sup>۱۴</sup> و پساملی معرفی می کنند و در قالب سرمایه داری سازمان نیافته و افسار گسیخته، با حفظ اقتدار نسبی اقتصادی محلی، جریان سرمایه را، در جستجوی سود بیشتر، اما با گرایش به اقتصاد زیباشناختی، بر گستره همه فضاهای جغرافیایی گسیل می سازند. این در حالیست که بستر اصلی و بنیاد کنونی اقتصاد سرمایه داری را،

<sup>10</sup>. Alexis de Tocqueville

<sup>11</sup>. Martin Albrow

<sup>12</sup>. David Harvey

<sup>13</sup>. National-states

<sup>14</sup>. Multinational

اطلاعات - محوری و عملکرد در مقیاس جهانی آن، تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال «شلوار جین که محصول شرکت نساجی *برلینگتون*<sup>۱۵</sup> آمریکاست. نرم‌افزاری را به رایگان در اختیار مشتریان خود در سرتاسر جهان قرار می‌دهد که از طریق آن می‌توانند به طور مستقیم با کامپیوتر *مین فریم برلینگتون* ارتباط برقرار کنند و با چنگ انداختن روی موجودی انبار این شرکت، به طریق الکترونیکی پارچه مورد علاقه خود را انتخاب و سفارش دهند. همه اینها با سرعتی لحظه‌ای و آنی انجام می‌شود» (تافلر، ۱۳۷۷، ۱۸۶).

اطلاعات محور<sup>۱۶</sup> و دانش - محور<sup>۱۷</sup> بودن اقتصاد حاکم بر جهان کنونی، شیوه‌ای نوین از تولید را سبب گردیده که تعامل دو سویه تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات در آن (صدوقی، ۱۳۸۰، ۵۵) محرک اصلی تکوین نظام مدیریت دانش شده است. قدم نهادن در عرصه بازتابها و برکنش‌های تجربیدی و نمادین پارادایم ارتباطات - که مدیریت دانش یکی از آنهاست - چشم‌اندازی هستی‌شناختی را پیش روی ما قرار می‌دهد که بررسی پیامدهای این شیوه ارتباطات در عرصه فرهنگ، تمدن، هویت و ... جامعه جهانی را ناگزیر می‌نماید.

انسان بر خلاف برخی موجودات دیگر که اجتماعی زندگی می‌کنند، اجتماع را می‌سازد تا زندگی کند. راز بقا و میزان اثر گذاری فرهنگها و تمدنها از نسلی به نسل دیگر، از طبقه‌ای به طبقه دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر، در محیط زندگی انسان، با قدرت انتقال و ارتباط در آن جامعه قابل ارزیابی است (بیک‌زاده، ۱۳۷۷، ۲۵). از این رهگذر پارادایم سیستم ارتباطات نوین و کاربرد ICTها که ظرفیت و گنجایش کنونی جهان را، برای جذب همه نوع بیان فرهنگی، تمدنی، هویتی، سیاسی و اجتماعی افزایش داده است (Abou, 2003,1). خطوط قرمز تمایزی میان فرهنگها و تمدنهای متکثر را، به خطوط نارنجی بینا-فرهنگی و بینا - تمدنی بدل ساخته است. منطق حاکم بر چنین فضای پست مدرنی، منطق دوانگار و تک‌گفتار مدرن (یعنی منولوگهای خردباور) نیست، بلکه دانش - محوری و نگرش متنی<sup>۱۸</sup> و بینا - متنی<sup>۱۹</sup> است که پیش فرض آن، وجود متنهای متکثر و پراکنده، وجود مولفان متکثر و سیال و کدر بودن مرزهای بینامتنی است (تاجیک، ۱۳۷۷، ۵۷). بازتاب نامرئی چنین وضعیتی، در عرصه فرهنگ و تمدن، متأثر از ارتباطات جهانی، گرایش به پلورالیسم و کثرتگرایی است که خود را در جریان جایگزینی غیرستیزی با غیرپذیری محقق می‌نماید.

<sup>15</sup>.Burlington

<sup>16</sup>.Information-based

<sup>17</sup>.Knowledge-based

<sup>18</sup>.Texual

<sup>19</sup>.Inter-texual

## اطلاعات‌گرایی و پرسترویکای سرمایه‌داری

پیتر دراکر<sup>۲۰</sup> انقلاب اطلاعاتی فعلی را چهارمین انقلاب اطلاعاتی در تاریخ بشر می‌داند: از نظر دراکر اولین انقلاب اطلاعاتی اختراع خط و نگارش بود که پنج تا شش هزار سال پیش، در بین‌النهرین - به طور مستقل ولی با چند هزار سال اختلاف - بعد در چین و حدود ۱۵۰ سال بعد از آن هم توسط قوم مایا در آمریکای مرکزی به وقوع پیوست.

دومین انقلاب اطلاعاتی با اختراع کتاب نوشتاری، ابتدائاً در چین، و در حدود سال ۱۳۰۰ قبل از میلاد و سپس ۸۰۰ سال بعد، به طور جداگانه و مستقل در یونان واقع گردید.

سومین انقلاب اطلاعاتی با اختراع ماشین چاپ و حروف متحرک توسط گوتنبرگ بین ۱۴۵۰ و ۱۴۵۵ و اختراع همزمان گراورسازی به راه افتاد.

چهارمین انقلاب اطلاعاتی با اختراع کامپیوتر، تکوین سیستم مدیریت اطلاعات (MIS)<sup>۲۱</sup>، و پایوران ارشد اطلاعاتی (CIO)<sup>۲۲</sup>، تعدیل ساختاری سرمایه‌داری و شکل‌گیری سرمایه‌داری افسار‌گسیخته، شبکه‌ای شدن ارتباطات فراملی، اطلاعات محوری، دانش محوری و رونق شیوه تولید اطلاعاتی در اواخر قرن بیستم و آغاز هزاره سوم، بوقوع پیوسته و هنوز در حال تکوین است (دراکر، ۱۳۸۲، ۱۲۸).

تکنولوژی اطلاعاتی که در وضعیت پسامدرن تحولات چشم‌گیری به خود دیده، در فرآیند تولید سرمایه‌داری تغییرات تعیین‌کننده‌ای پدید آورده است (سیف، ۱۳۸۲، ۸). بطوریکه از دهه ۱۹۸۰ به بعد، به صورت ابزاری مؤثر در اجرای فرآیند تجدید ساختار نظام سرمایه‌داری عمل کرده است. در این روند، منطق سرمایه‌داری و منابع مبتنی بر این نظام، انقلاب تکنولوژیک را از لحاظ توسعه و جلوه‌های آن، - بدون اینکه انقلاب را به مرتبه نمایندگی این منابع تنزل دهد - شکل داده است. رابطه انقلاب اطلاعاتی و اطلاعات‌گرایی و پرسترویکای سرمایه‌داری تعاملی دوسویه - یا لازم و ملزوم هم - بوده است. بطوریکه نظر به عامل تاریخی شتاب‌بخشنده پارادایم تکنولوژی اطلاعات، تعیین‌کننده شکل و مسیر آن و شکل‌های اجتماعی وابسته به آن نشان از تأثیرات فراوان فرآیند تجدید ساختاری سرمایه‌داری دارند که آشکارا در راستای رسیدن به مرحله جهانی شدن تولید، توزیع و بازارها، افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه، تعمیق منطق سرمایه‌داری، یعنی کسب سود در روابط کار و سرمایه و استفاده از فرصت‌ها در بهترین شرایط کسب منفعت، در همه فضاها جغرافیایی سیر می‌کند (کاستلز، ج ۱، ۱۳۸۰، ۴۰ و ۴۶).

<sup>20</sup>. Peter F. Drucker

<sup>21</sup>. Management information system

<sup>22</sup>. Chief information officer

بدین ترتیب پسامدرنیته با مرحله‌ای از سرمایه‌داری منطبق شده که ویژگی نخستین آن جایگزین شدن انعطاف‌پذیری و نرمش، با تولید انبوه کالاهای یکسان و اشکال کار وابسته به آن است؛ از جمله اینها به اشکال جدید تولید انبوه کالاهای یکسان و اشکال کار تیمی و تولید «به موقع»، تنوع کالاها برای بازارهای تخصصی، نیروی کار انعطاف‌پذیر، سرمایه متحرک و مانند اینها میتوان اشاره کرد که همه و همه به واسطه فن‌آوری اطلاعاتی نوین ممکن شده‌اند (سینزوود، ۵۵، ۱۳۷۹). نظام اقتصاد سرمایه‌داری در سیر تکوینی خود به سمت پسامدرنیته<sup>۲۳</sup> مرحله سرمایه‌داری لیبرال قرن ۱۹ - که در سطح محل و منطقه عمل می‌کرد - و مرحله سرمایه‌داری سازمان یافته قرن ۲۰ - که در سطح دولت ملتها عمل می‌کرد - را پشت سر نهاده و اکنون به کمک اطلاعات جهانی و دانش محوری، در وضعیت پسامدرنیته، به سرمایه‌داری بی‌سازمان بدل گشته‌است که گردش کالا و سرمایه در آن مقیاسی فراملی و فرامرزی دارد. ابژه‌ها (پول و کالاها) و سوژه‌ها (نیروی کار) در خارج از مرزها جریان دارند. این سوژه‌ها<sup>۲۴</sup> و ابژه‌ها<sup>۲۵</sup> مسافتهای زیادی را با سرعت فزاینده طی می‌کنند و همزمان کردن فرآیندها چنان دشوار شده که تنها سرمایه‌داری بی‌سازمان را فرصت ظهور داده‌است (بوریمر، ۴۳، ۱۳۸۱).

اندیشمندان پست مدرن در باب ویژگیها و پیامد پیشرفتهای اطلاعاتی و سرمایه‌داری افسار گسیخته<sup>۲۶</sup> مطالبی جالب و سرشار از روشن‌بینی دارند، به طوریکه شناخت جدی جهان معاصر را بدون آگاهی از مرکزیت و ابعاد نشانه سازی امور در دنیای کنونی (بودریار)، بدون ملاحظه تغییرات به وجود آمده در اشکال ارتباطی (پوستر)، بدون به رسمیت شناختن تنوع و کثرت دیدگاههای جهانی؛ که توسط رسانه‌های نوین در دسترس همگان قرار گرفته‌اند (واتیمو) و بدون دقت و موشکافی در اهمیت معیار کاربرد داشتن و کالایی شدن قلمرو اطلاعات (لیوتارد) امکان‌ناپذیر می‌دانند (وبستر، ۳۹۵، ۸۰).

بر اساس مطالب فوق‌الذکر می‌توان اذعان داشت که نظام سرمایه‌داری در گذر تاریخ هیچگاه خود را چنین یکه‌تاز و تک سوار میدان ندیده بود و در درازنای زمان وجود محرکهایی که اکنون عامل جهان‌روایی سرمایه‌داری شده‌اند و تعامل با آنها را، حتی بر خود مستحب هم نمی‌پنداشت. سرمایه‌داری کنون با برگزشتن از رقیب سوسیالیست خود، (فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ و به تبع آن از میان رفتن اقتصاد سوسیالیستی و رقیب دیرینه سرمایه‌داری در طول سالهای جنگ سرد) روندی رو به تزاید و پیشرفت روزافزون اقتصادی و سیاسی را تجربه کرد. جهانی شدن، اطلاعات‌گرایی و دانش - محوری، پارادایم نوین ارتباطات، زمان بی‌زمان، فضای مکان‌زدایی شده و در فرجام تمدن اطلاعاتی در حال تکوین، در ارتباطی چند سویه، بدون سلسله مراتب و شبکه‌ای<sup>۲۷</sup> با هم، آنچه را امروز سرمایه‌داری افسارگسیخته نام گرفته، فرصت نمود داده‌اند.

<sup>23</sup> Postmodernity

<sup>24</sup> Subjects

<sup>25</sup> Objects

<sup>26</sup> Unrestrained capitalism

<sup>27</sup> Networking

## تمدن اطلاعاتی

نظر به تاریخ گذشته جهان و تأمل در وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها چهار گونه تقسیم بندی از مسیر ترقی و توسعه کشورهای جهان را آشکار میکند: در دهه ۱۹۶۰ کشورها را به توسعه یافته<sup>۲۸</sup> و توسعه نیافته تقسیم می کردند، در دهه ۱۹۷۰ به جهان اول<sup>۲۹</sup> و جهان سوم<sup>۳۰</sup>، در ۱۹۸۰ به کشورهای بیشتر توسعه یافته و کمتر توسعه یافته و در دهه ۱۹۹۰ به کشورهای صنعتی شده و در حال صنعتی شدن تقسیم می کردند (Water, 2001, 34). در حالیکه امروزه بر مبنای انگیزشگر اصلی وقوع دگرگونی در وضعیت کشورهای جهان، یعنی جریان اطلاعات و ژئوپلتیک سرمایه، سلسله مراتب توسعه یافتگی کشورها، با گذرا به دانایی، به میزان نقشی که هر یک از کشورها در زایش اطلاعات، جریان سرمایه و مدیریت دانش<sup>۳۱</sup> برگرده می کشند، وابسته است.

انقلاب علمی، ارتباطی و اطلاعاتی که عامل اصلی سنجش موقعیت کشورها در مسیر ترقی اند، نه تنها محرکه اصلی فرآیند جهانی شدن هستند، بلکه در تعامل با این فرآیند، دو روی جدایی ناپذیر یک سکه محسوب می شوند. جهانی شدن بواسطه انقلاب علمی<sup>۳۲</sup> و اطلاعاتی راه را برای رسیدن به خدمات اطلاع رسانی سریع، به همه مناطق جهان از طریق تجات و مبادله آزاد، اطلاعات و آموزش هموار ساخته است (میرمحمدی، ۱۳۸۱، ۶۷) و در شریط جدید اقتصادی، به وسیله دکترین تجارت نئولیبرال، اقتصادی جهان گستر و اطلاعات - محور را بوجود آورده است. (Tsering, 2003, 4). جهانی شدن بر این اساس به موازات انقلاب اطلاعاتی، در سیر تکوینی خود، عرصه سازمانهای اجتماعی، فرهنگها و ارزشها و حیات سیاسی جوامع کنونی را نیز بی نصیب نگذاشته (Piut, 2003, 1) و همگام با ابداع شبکه جهانی در سال ۱۹۸۹ ظهور تمدن نوین اطلاعاتی را سبب شده است.

تمدن اطلاعاتی در حال تکوین، با قبول چندگانگی و کثرت در تمام عرصه های زندگی اجتماعی، ماهیت فلسفی اش را در شکل «یک تمدن - تمدنهای بسیار» نمایان میسازد. تمدن نوظهور که اصل بنیادین آن بر محور اطلاعات و دانش جهان روا استوار است. خصلت پلورالیستی خود را از ویژگی ذهنی بودن، معطوف به آگاهی، تفکر و شناخت بودگی اطلاعات به عاریت می گیرد و در سامان نوآفریده اش با مشخصه های ذیل فرصت ظهور می یابد:

۱- شیوه تولید حاکم بر تمدن اطلاعاتی شیوه تولید اطلاعات است.

<sup>27</sup> Developed

<sup>28</sup> First world

<sup>29</sup> Third world

<sup>30</sup> Knowledge management

<sup>31</sup> Scientific revolution



- ۲- در تمدن اطلاعاتی عوامل سرمایه و کار جامعه صنعتی، با اطلاعات و دانش جایگزین می‌گردند.
- ۳- در تمدن اطلاعاتی، نهادهای اجتماعی افقی مانند جامعه مدنی، جانشین نهادهای عمومی عمودی و متمرکز می‌شود (رجایی، ۱۳۸۲، ۱۱۷).
- ۴- تمدن اطلاعاتی در فضایی فوق قلمروی، فرامرزی و سرزمینی تکوین می‌یابد.
- ۵- چندگانگی و کثرت در سیاست، اقتصاد و فرهنگ مشخصه بنیادین آن است.
- ۶- شهروندان تمدن اطلاعاتی به واسطه فن‌آوری اینترنت و پست الکترونیک در فضای تجریدی یک شهر اطلاعاتی<sup>۳۳</sup>، به هم می‌رسند.
- ۷- شیوه شناخت در تمدن اطلاعاتی، غیر حضوری بوده و دیگرزدایی شده است.
- ۸- دگرگونی روش شناختی در دانش، سبب‌ساز فراقلمروگرایی آموزش و فراروندگی پژوهش‌های اجتماعی، از تقسیم‌بندی‌های رایج آن و میان رشته‌ای<sup>۳۴</sup> شدن آن، در تمدن اطلاعاتی است.
- ۹- بازی زبانی مسلط بر تمدن اطلاعاتی بازی زبانی گفتمان و آری گویی است.
- ۱۰- تمدن اطلاعاتی، بر بنیان ویژگی سرزمینی و فراقلمروی بودنش انگیزشگر گفتمان بوم و جهان است (تافلر، ۱۳۷۴، ۴۱۴).
- ۱۱- هنجارها، عقاید و هویتها در تمدن اطلاعاتی متکثر، پراکنده، سیال و چند گانه‌اند. به گفته نیچه «هیچ زمانی وجود این همه باور در کنار یکدیگر شدنی نبوده‌است» (نیچه، ۱۳۸۲، ۱۱۶).
- ۱۲- در تمدن اطلاعاتی تمایزات فرهنگی - هویتی ایدئولوژیهای مقتدر جای خود را به تکثرها و گفتمانهای دوسویه بینامتنی می‌دهند.
- ۱۳- نظام سرمایه‌داری سیستم اقتصادی غالب و تمام عیار تمدن اطلاعاتی است (Mozaffri, 2002).
- ۱۴- بحث ارزشی امنیت در تمدن اطلاعاتی معطوف به امنیتی است: هستی شناختی و امنیت هویت.
- ۱۵- انسان ساکن در تمدن اطلاعاتی، اجتماعی شده و سراسر بین است و از نظر زیباشناختی با جایگزین کردن عادات به جای لذات، تجربه لذت در حال جاودان و سبک حیات اکسپرسیونیستی<sup>۳۵</sup> را - که هدف نهایی آن کسب رضایت فوری است تا خرسندی با تأخیر - با کمال علاقه تجربه میکند.
- ۱۶- گذشته از همه اینها محرک اصلی شکل‌گیری تمدن اطلاعاتی، فن‌آوریهای ارتباطی و ارتباطات گسترده جهانی است.

<sup>32</sup> Informational city

<sup>34</sup> Interdisciplinary

<sup>33</sup> Expressionism= بیانگر باوری

## بازتابهای تمدن اطلاعاتی در فضای سرزمینی

تمدن اطلاعاتی در حال تکوین مانند همه دگرگشتها و تحولات دیگر، بازتاب نمادین و عینی خود را بر بستر فضاهای جغرافیایی نمایان می‌سازد. اما فضا در این مفهوم به عنوان بازتابنده تأثیرات تمدن اطلاعاتی و زمان به عنوان نمایش دهنده سیر جمله تحولات، شالوده‌شکنی<sup>۳۶</sup> شده و در حوزه معنایی جدیدی پذیرفته است. رهیافت نظری نوشتار حاضر نیز معطوف به این مفاهیم نوین از فضا و زمان است. بگونه‌ایکه فضا را دیگر «صحنه حضور و سکونت انسان و بازتاب تعاملات انسان و محیط طبیعی نمی‌پندارد» (عزتی، ۱۳۸۰، ۸۷). بلکه آن را مبتنی بر نظریه ژاک دریدا<sup>۳۷</sup> متنی می‌انگارد که می‌توان آن را کوتاه‌تر یا بلندتر بافت، می‌توان برید یا تا کرده و دوخت. ولی در متنی چنین بافته شده، خبری از سلسله مراتب ارزشی نیست، بلکه همه چیز بدون تمایز و یکسان، در هم تنیده شده‌اند (احمدی، ۱۳۸۰، ۴۹). چنین نگرشی در بازخوانی متن توصیه می‌کند که معنای برآمده از کلام محوری و متافیزیک حضور<sup>۳۷</sup> را کنار بگذاریم و بپذیریم آن معنایی که بیهوده‌اش می‌پنداشتیم، استوار به حضور حقیقت است. تنها از این راه، کشف معناهای دیگر متن ممکن می‌شود، یعنی آن معناهایی که متأثر از پندار سنتی یا مدرن و یکسونگر ما - که فاصله‌ای میان متن و مؤلف نمی‌شناخت - از فضا، پنهان مانده بود (همان منبع، ۳۸۹).

زمان نیز در تمدن اطلاعاتی همانند فضا و اساسی شده و تصور از زمان در چنین تمدنی دیگر زمان دوره‌ای سنت و زمان خطی دوره رنسانس و مسلط دوره مدرن (Waterz, 1995, 55) نیست. بلکه به گفته مانوئل کاستلز زمانی بی‌زمان است، نامی که برای زمانمندی مسلط جامعه برگزیده است، چنین زمانی وقتی ایجاد می‌شود که ویژگیهای یک متن بخصوص، یعنی پارادایم اطلاعاتی و جامعه شبکه‌ای<sup>۳۸</sup>، به ایجاد آشفستگی، در توالی پدیده‌هایی بینجامد که در آن متن اجرا می‌شوند (کاستلز، ج ۱، ۱۳۸۰، ۵۳۴).

شکل‌گیری تمدن اطلاعاتی و ظهور جامعه شبکه‌ای که محور این نوشتار هستند جملگی متأثرند از: فراهم شدن زیر ساختارهایی<sup>۳۹</sup> چون؛ پارادایم نوین ارتباطات، اطلاعات گرای، پرسترویکای سرمایه‌داری و شکل بی‌سازمان آن و نحله فکری و فلسفی پسامدرنیسم محاط بر آنها. اینها همگی حکم قطعات پازل را

<sup>34</sup> Deconstruction

<sup>33</sup> *Metaphysics of presence*؛ متافیزیک حضور تعبیر مورد استفاده دریدا برای مفروضی است که گفته میشود، زیربنای سنت فلسفی غرب بشمار میرود. یعنی این پیش فرض که «واقعیت در نهایت نوعی وحدت است» و اینکه تفاوتها، افتراقها و اختلافات نهایتاً واقعی نیستند. این عقیده که متضمن آن است که در نهایت هر چیزی همسان و همانند با چیزی دیگر است، از سوی دریدا نفی شده است (نوذری، ۱۳۸۰، ۴۸۶). استعمال مفهوم یادشده در اینجا از اینروست که اولاً در تأویل معنای فضا گرایش به وحدت نظر سابق و تغییرناپذیر بودن مفهوم فضا و تصور واهی رایج مبنی بر ثابت بودن مقیاس عملکرد فضای جغرافیایی را کنار بگذاریم و بنا به شرایط کنونی جهان صورتبندی جدیدی از آن ارائه کنیم و ثانیاً در تحلیل پهنه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان امروز کثرتها و چندگانگیها را جایگزین وحدتها و تکسونگریها نماییم.

<sup>37</sup> Networking social

<sup>38</sup> Infrastructures

دارند که در پهنه فضاهاى قلمروزدایی شده و سرزمینی، موزائیک‌وار در کنار هم، فرآیندی به نام جهانی شدن را مفهوم می‌بخشند و نقش آن را به عنوان علت غایی «بر هم خوردن تعادل فضا و زمان» (Cox 2002,14) برجسته می‌نمایند. از این رهگذر رواست که با در پیش گرفتن رهیافتی همه‌سونگر، در پی مدلولات جهانی شدن و تمدن اطلاعاتی قدم برداریم و از چشم‌اندازی سراسر بین، مصادیق آنها را در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی (اقتصاد، سیاست و فرهنگ) نشان دهیم. البته با احتساب اینکه شالوده و ساختار پیشین عوامل مرزآفرین (جغرافیا، فرهنگ و سیاست) در هم شکسته (گل محمدی، ۱۳۸۱، ۹۷) و هویتی متفاوت پذیرفته‌اند.

تکنولوژیهای نوین اطلاعات، رهایی سرمایه از زمان و گریز فرهنگ از ساعت را به نحو چشمگیری تسهیل می‌کنند و آن را در ساختار جامعه شبکه‌ای می‌گنجانند (کاستلز، جلد ۱، ۱۳۸۰، ۵۰۳). دیوید هاروی<sup>۴۰</sup>، جغرافیدان فرهنگی، فشردگی فضا و زمان در عرصه تمدن اطلاعاتی را واقعیت بخش آرمان دهکده جهانی مک لوهان می‌داند و با نظر به نقش سرمایه در تکوین فضاهاى نوین جغرافیایی، بر نظام اقتصادی تأکید می‌کند (گل محمدی، ۱۳۸۱، ۹۷-۱۰۲). بر این اساس جریان سرمایه در جامعه شبکه‌ای نه تنها زمان را فشرده می‌سازد، بلکه آن را جذب نیز می‌کند و از ثانیه‌ها و سالهای هضم شده خود، تغذیه می‌کند (یعنی رانت ایجاد می‌کند). پیامدهای مادی این بحث به ظاهر انتزاعی، درباره زمان و سرمایه به نحو روز افزونی در اقتصاد و زندگی روزمره مردم سرتاسر جهان احساس می‌شود. دخل و تصرف در زمان و نابودی آن، به وسیله بازارهای جهانی سرمایه - که به شکل الکترونیکی اداره می‌شوند - سرچشمه شکلهای جدیدی از بحرانهای ویرانگر اقتصادی است که بر قرن بیست و یکم سایه انداخته اند (همان، ۵۰۶).

اقتصاد اطلاعاتی<sup>۴۱</sup> که در رقابت شرکتهای چند ملیتی<sup>۴۲</sup> و فراملی ضمانت اجرایی می‌یابند، با شکستن ساختارهای اقتصادی متمرکز، مرزگرا و سازمان مند - بویژه اقتصادهای ملی که با انکار وجود اقتصاد اطلاعاتی، انگاره دستیابی به سود و توان رقابت را در سر می‌پرورند و قدر مسلم با واژگون شدن خودشان، ثبات و حاکمیت سیاسی دولت ملتهای مدرن را نیز به چالش خواهند کشید - به شکلی بی سازمان، افسار گسیخته و فرامرزی و در پی کسب سود بیشتر، به اقتصادی زیباشناختی<sup>۴۳</sup> گرایش می‌یابند. چنین اقتصادی با پیش فرض سیال بودن، پراکندگی و فراقلمروی بودن سرمایه، اهمیت بالایی

<sup>39</sup> David harvey

40. informational economy

41. Multinational corporations

42. Aethetical economy

به ژئوپلیتیک سرمایه<sup>۴۴</sup> می‌دهد و با افزایش مشارکت<sup>۴۵</sup> در تولید و توجه به کثرت و چندگانگی<sup>۴۶</sup> علایق و سلیقه های مصرف کنندگان، به تسریع روند شکل گیری تمدن اطلاعاتی کمک میکنند.

آنچه گذشت انعکاس ظهور جامعه شبکه‌ای و تمدن اطلاعاتی در عرصه اقتصاد جهانی بود، اما سرنوشت سیاسی ایدئولوژیها و دولتهای ملی و آرایش جدید پهنه سیاسی جهان نیز به همین میزان قابل تأمل هستند. صورت بندی سازمانهای رسمی بین المللی و NGO های غیر رسمی در صحنه سیاسی جهان و از سوی دیگر افول اقتدار و فرمانروایی دولتها در تعیین سرنوشت سیاسی شان، فرجامی دیگر از جهانی شدن و تمدن اطلاعاتی است.

با ظهور رسانه‌های گروهی جهانی، در آغاز هزاره سوم، مقوله کنترل اطلاعات به ناگهان برای مدعیان جدید حاکمیت ملی یعنی توتالیترها در حکم یک مساله حیاتی مطرح گردید. هر یک از مدعیان حاکمیت مطلق دولت بر کلیه شئون اجتماعی و اقتصادی \_ که از لنین شروع می‌شد و به ترتیب به موسولینی، استالین و هیتلر ختم می‌گردید \_ تلاش کردند تا سایه نظارت همه جانبه خود را بر اطلاعات فرا افکنند. و در کشورهای دموکراتیک استیلا بر جریان اطلاعات (بویژه تلویزیون) به نحوی روز افزون به هنر اصلی سیاستمداران و آمران سیاسی بدل گشت. اما آنچه ر این تحولی نوین محسوب میشود، این است که اطلاعات هم به مانند سرمایه، سرزمین پدری نمی‌شناسند و مقیاس عمل آن پساملی و سیاره‌ای است. هر دولتها به ظاهر کماکان میتوانند کنترل برنامه‌های خبری را در اختیار داشته باشند، اما توان بازدارندگی و اختیار و کنترل آنها در حدی نیست که بطور کلی جریان و گردش اطلاعات را بدست گیرند. برای مثال در آلمان، زمان جنگ بین الملل دوم، تعداد کسانی که مخفیانه به اخبار «بی بی سی» گوش می‌کردند، به اندازه کسانی بود که به تبلیغات «ژوزف گوبلز» رئیس تبلیغات نازی در برنامه اخبار شب گوش می‌دادند. با این وجود برنامه های اخبار، تنها بخش کوچکی از «اطلاعات» را تشکیل می‌دهد. هر ۳۰ ثانیه تبلیغات یا هر ۱۸ دقیقه سریال «پرای صابون» به اندازه و بلکه بیشتر از، محتوای اطلاعاتی برنامه های اخبار \_ که دقیقترین کنترلها بر آنها اعمال می‌شود \_ حاوی اطلاعات است. امروزه هیچ حد و مرز ملی و جغرافیایی برای اطلاعات وجود ندارد. یقیناً ناتوانی روز افزون دیکتاتورترین رژیم تاریخ در کنترل دسترسی مردم به اطلاعات، عامل اصلی فروپاشی کمونیسم و سقوط امپراطوری شوروی بود (دراکر، ۱۳۷۵، ۲۵۹). با این وصف در آینده چالش میان قدرتها بر سر کنترل اطلاعات خواهد بود. همانگونه که در گذشته بر سر کنترل قلمرو و پس از آن بر سر کنترل دستیابی به مواد خام و نیروی کار ارزان و استثمار آنها می‌جنگیدند (لیوتارد، ۱۳۸۱، ۶۴).

43. Geopolitic of capital

44. Participate in production

45. Multiplity

تمدن اطلاعاتی، با تقلیل اقتدار و مشروعیت دولتهای ملی، گرایش به اندیشه های دموکراتیک را اجتناب ناپذیر کرده است و با سردادن ندای «هم‌این» و «هم‌آن» به جای «نه‌این» و «نه‌آن»، یگانه نظام سیاسی سازگار با وضعیت حاکم بر پهنه گیتی را، دموکراسی جلوه می‌دهد. بر این اساس شایسته است که دولتهای ملی در قرن ۲۱ با نگرشی «درون‌متنی» به حوزه ملی و بوم خودشان، از منظری «برون‌متنی» نیز نظاره گر پهنه جهان باشند و روابط بنیادین - مرزی کشورها را فراسوی رهیافت همگرایی و واگرایی، در چارچوب تعاملاتی بنیادین - متنی تصور کنند و گفتمان بوم و جهان را سرلوحه سیاستگذاریهای محلی، منطقه ای و ملی خود سازند. خلاصه اینکه به گفته نیچه «فراسوی آن شور فاصله - که از پیوسته فرانگریستن و فرونگریستن کاست فرمانروا بر فرمانگزاران واز پیوسته دستور گرفتن و دستور دادن و زبردست و دوردست نگاه داشتن پدید می‌آید - بیندیشند (نیچه، ۱۳۷۵، ۲۵۳).

در عرصه فرهنگ فاصله ها و تمایزات مکانی و زمانی، بدلیل گسترش تکنولوژیهای ارتباطات و اطلاعات، اهمیت خود را روز بروز از دست می‌دهند. امروزه برقراری تماسهای روزانه، با مردمی ممکن شده است که در قاره‌های دیگر زندگی می‌کنند و حوادث و وقایع می‌تواند از طریق رسانه های همگانی، در سراسر جهان تجربه شود (بوریمر، ۱۳۸۱، ۴۹). نخستین بار این مک لوهان بود که توجه برخی را، به حضور همه جانبه و قدرتمندانه رسانه ها - در همه حال و همه جا بعنوان عنصر اصلی در هر نوع تعریف فرهنگی - جلب نمود. مک لوهان در همان صفحات آغازین کتاب درک رسانه می‌گوید:

امروزه پس از گذشت بیش از یک قرن از ظهور تکنولوژیهای پیشرفته، شبکه ها و سیستم مرکزی عصبی خود را در سطوح جهانی بسط و گسترش داده‌ایم و تا آنجایی که به سیاره ما زمین مربوط می‌شد، مکان و زمان را از میان برداشتیم. از همین رهگذر است که رسانه ای همچون سینما ابزاری قدرتمند، در فرافکنی فرهنگ غالب و مسلط تمدن جهانی، به شمار می‌رود. فیلمهای هالیوودی طی دو تا سه دهه اخیر، بابت اینکه نیرومندترین حامیان و بارزترین تجلی فرهنگ متمرکز و متجانس آمریکایی به شمار می‌رفتند، شهرت یافته اند (احمد، ۱۳۸۰، ۲۳۴).

استعاره دهکده جهانی<sup>۴۷</sup> مارشال مک لوهان، در پرداختن به رسانه های پست مدرنیستی، بسیار حائز اهمیت است. در عصر ما این یک واقعیت تحقق یافته، است که هیچگونه تقسیم بندی شرقی یا غربی، مسلمان یا غیر مسلمان نمی‌تواند مانع حضور نافذ و همه جانبه رسانه ها گردد. در واقع برخی از نویسندگان پست مدرنیست که در عرصه بین‌المللی شناخته شده تر هستند، از جاهایی برخاسته اند که مک لوهان آنها را، تحت عنوان «فرهنگ عقب مانده یا شفاهی» توصیف می‌کند (همان، ۲۳۶). به نظر بودریار رسانه های گروهی، نشانگر عصر نوینی هستند که در آن شیوه های قدیمی تولید و مصرف، جای

<sup>47</sup>Global hamlet

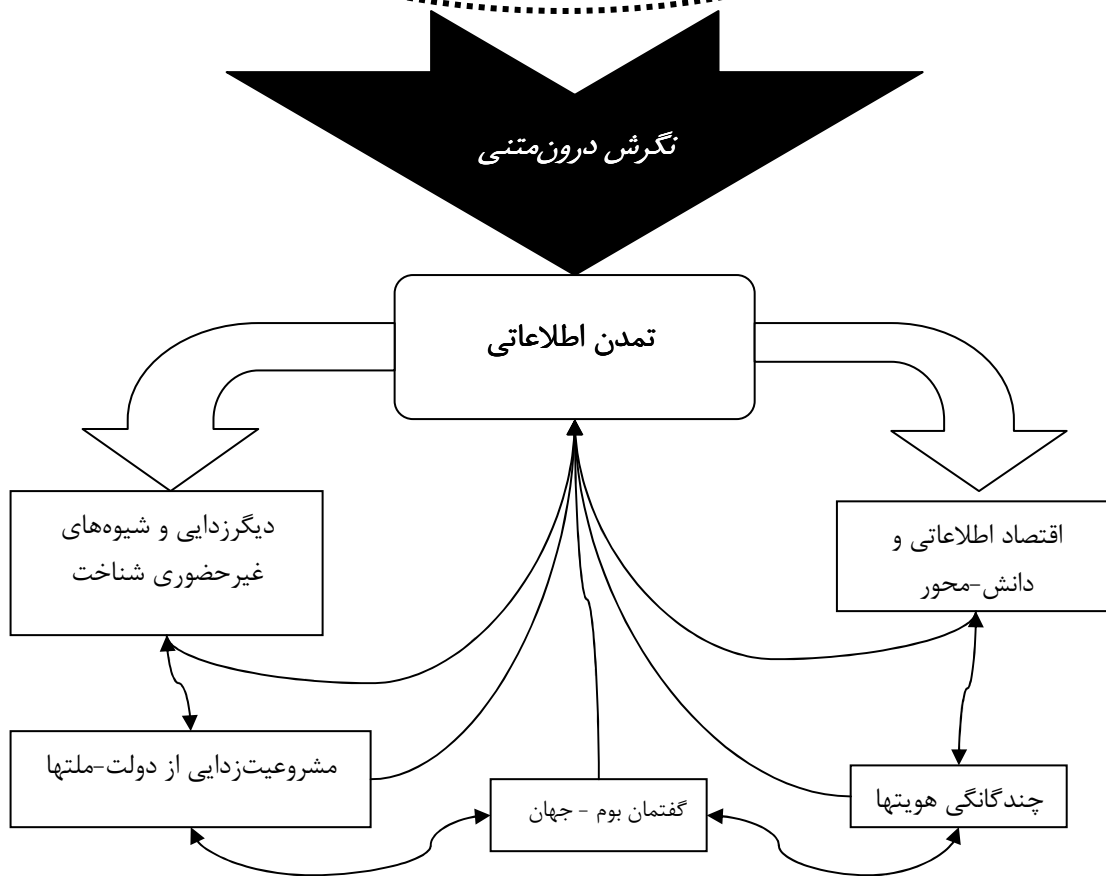
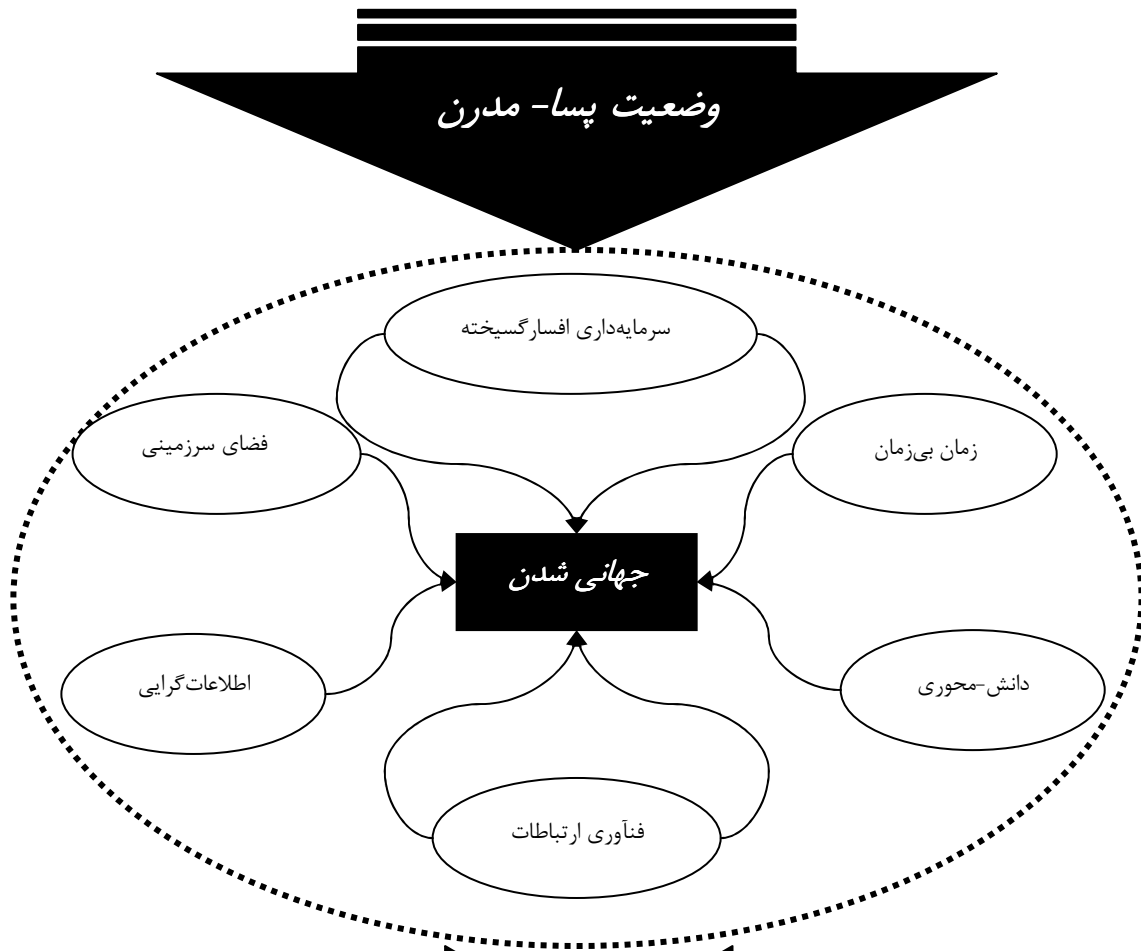
خود را، به دنیای تازه ارتباطات داده اند. این دنیای نوین، بر خلاف نمونه قبلی خود (که با جاه طلبی پرکوشش و کشمکش فرزند، در برابر طایفه همراه بود) بر پیوستگی بازخورد و فضای میانجی استوار است و فرآیندهای آن خودشیفته و مستلزم تغییر مستمر سطح ظاهری هستند (ساراپ، ۱۳۸۲، ۲۲۱).

در عصری که تمایزات ابژه ها و وانمودهای آنها از میان می‌روند، تمام چیزی که باقی می‌ماند صورتهای شبیه سازی شده می‌باشند. اینها دلالت به هیچ چیزی غیر از خودشان ندارند، پیامهای رسانه‌ای، نظیر آگهیهای تلویزیونی، مثالهای جالبی در این مورد هستند، این خود ارجاعی به فراسوی بیمهای ماکس وبر از جهان سرخورده و غیر سنتی شده، میباشد. اواخر قرن بیستم شاهد تخریب بی سابقه معنی است. جستجو برای تمایز میان امر اخلاقی و غیر اخلاقی، واقعی و غیر واقعی بیهوده است و در «سایه نسبی نگری و نسبیت دانش و حقیقت» (احمدی، ۱۳۸۱، ۵). به بیان، بودریار در موقعیت حاد واقعیت<sup>۴۸</sup> به سر می‌بریم (لاین، ۱۳۸۱، ۳۳).

تمدن اطلاعاتی امروزه بازتاب فضایی خود را، در عرصه فرهنگ در شکل نغمه‌های چندصدایی فرهنگی جهان انعکاس می‌دهد. صداها، خاموش گوش خراش و ناموزون بسیار شنیده می‌شود. در هم آشفتگی ژانرها، ترکیبهای مانع الجمع و انواع اختلاطها و آمیزشها نمود فضایی می‌یابند. حال که لایه های رسوبات فرهنگی به جای روی هم قرار گرفتن، در کنار هم جای گرفته اند، چهره جهان نیز، اساساً دگرگون شده و بیش از پیش اسیر آشفتگی گشته است. در اصل هیچ چیزی کامل از میان نمی‌رود، گفتارها تغییر مکان می‌دهند و در انتظار نوبت خویش به مأمنی می‌گریزند (شایگان، ۱۳۸۱، ۳۹ و ۴۰).

---

<sup>48</sup> *Hyper reality*



## فرجام سخن

دگرگشتها و تحولات بیست سال اخیر جهان، به هیچ روی سزاوار مقایسه حتی با یک قرن قبل از دهه ۱۹۸۰ نیستند. سرعت بی سابقه دگرگونیها و پیشرفتهای نوین در درازنای تاریخ، همپایی برای خود در مسند قیاس باقی نگذاشته است و شاید یکسان نبودن سرعت همین تحولات فنی با مکملهای خود (فرهنگ، هویت و سیاست) در طریق توسعه باشد که در پاره ای مواقع، خبر از وجود چالشها و گسستهها می دهد. ولی آنچه مسلم است اینکه، فرجام اینگونه تحولات، در عرصه اطلاعات و ارتباطات، در تعاملی دوسویه با سرمایه داری افسارگسیخته، بر بستر فرآیند جهانی شدن، ظهور تمدنی جدید را نوید می دهند. این تمدن نوظهور با برگزیدن از سلسله مراتب ارزشی و اجتماعی، به هر شهروند جهان، کم و بیش، فرصتی برای ایفای نقش میدهد. مشخصه تمایزبخش تمدن جدید، جایگاه بی سابقه اطلاعات و دانش در آن است، که بویژه از منظر هستی شناختی تبیین و تأویل درخور آنرا به درک ماهیت تکنولوژی مشروط می گرداند و نگرش فن محورانه را - که نگرشی معرفت شناسانه و روش شناسانه دارد - در پی کشف علت غایی ظهور تمدن اطلاعاتی (که بازتابهای فضایی آن در عرصه فرهنگ، سیاست و اقتصاد به هیچ روی فرجامی تکنولوژیک از خود بر نمی تابند) به نگرشی جغرافیایی و رهیافتی پسامدرن سوق میدهد. در این میان شاید عقل باوران و مارکسیستها، رابطه نزدیک و متقابل فرهنگ و تکنولوژی را، دلیل بنیادین ظهور تمدن اطلاعاتی بپندارند. ولی قدر مسلم آنچه در ماهیت تکنولوژی مدرن و عقلانیت ابزاری حاکم بر مدرنیته، به عنوان سازنده هویت و فرهنگ تلقی می گردد. مبتنی بر همان رهیافت چپ مارکسیستی و دانش متکی بر پوزیتیویسم است که به کارآمدی و توان بالقوه آن در تبیین تمدن نوظهور تردید بسیار توان کرد. بگونه ایکه فن محوران و ایدئولوژیهای چپ با قطعیت تمام، خبر از تجلی فرهنگ مسلط و کنترل کننده ای می دهند که مترتب بر استیلای سرمایه داری شکل گرفته اند و از همین رهگذر است که تکوین فرآیند جهانی شدن را نیز ادامه خصلت تکنولوژیک مدرنیته می پندارند. در حالیکه با برگزیدن از چنین قطعی نگرشها و احکام ایدئولوژیکی است که بازتابهای فضایی تمدن نوظهور اطلاعاتی، در عرصه تجربیدی و عینی خود را در مقابل دیدگان ماهیت بین، همه سونگر و معناکاو نمایان می سازند. اقتصاد سرمایه داری که اندیشه مارکسیستی آنرا ویژگی بخش سلسله مراتب ارزشی جامعه می داند، بعد از دهه ۱۹۸۰ خود را دچار تجدید ساختاری کرد که بررسی ارتباط آن با تمدن و فرهنگ، بازتابهای کاملاً متفاوت از گذشته آنرا بدیهی جلوه میدهد. نظام سرمایه داری با در پیش گرفتن چنین رهیافتی در نهایت به تمام آنچه که در سیر تاریخ بازگوکننده فطرت تنوع طلبی و تکثر خواهی آدمیان بود، جامه عمل پوشاند و شریط لازم برای ادامه حیات جهانی شدن و تمدن اطلاعاتی را فراهم ساخت.



فضایی که عالمان ایدئولوگ جغرافیا در قالب برداشتِ اسطوره‌ای خود از تکنولوژی، به عنوان فضای جغرافیایی تصویر می‌کنند، فضای تجلی‌دهندهٔ رابطه تکنولوژی و محیط، فضایی مکانمند، قلمروی و مرزگر است. در حالیکه با این تصور از فضا، تکوین فرآیندی بنام جهانی شدن تا ابد به عنوان آرمانی دست نیافتنی، فقط اسمی از خود بر تاریخ عقاید جهان می‌دید. پس بنابراین فضایی که آرمان جهانی شدن در آن محقق می‌گردد، نه تجلیگاه رابطه انسان و محیط و تکنولوژی، بلکه فضایی بدون مرز، فراقلمروی و سرزمینی است، که بازتاب تعاملات بینامتنی را نمایان می‌سازد و در ارتباط دوسویهٔ خود با زمان، بجای زمان خطی، از زمان بی‌زمان، تبعیت می‌کند.

اینان تکنولوژی ارتباطات و بر اساس آن، افزایش ارتباطهای میان فرهنگی را، بویژه در بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، گونه‌ای تهاجم فرهنگی از سوی کشورهای توسعه یافته یا مرکز می‌انگارند. غافل از اینکه، منطق حاکم بر تمدن اطلاعاتی، منطق دو انگار و تک گفتار مدرن نیست، بلکه منطق هم این و هم آن - گفتمان - است و قبول تکثرها و چندگانگیها ویژگی برجسته و منحصر به فرد آن بشمار میرود.

بنابراین، فرجام سخن نوشتار حاضر این است که پیش‌شرط وجود دیده‌ای معناکاو و تبیین‌گر در یک جغرافیدان، معطوف است به تأویل بازتابهای فضایی تمدن اطلاعاتی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، در هم شکستن ساختارها و شالوده‌های سنتی و مدرن. تا از این رهگذر توان درک کثرتها، پارادوکسها و تضادهای موجود در وضعیت کنونی جهان و تمدن نوظهور را بدست آورد و خارج از حصارهای معرفتی ایدئولوژیکی و یکسونگر، در کنار نگرش برون‌متنی، شرط مسلم تفسیر بازتابهای فضایی تمدن اطلاعاتی را، در گرایش به درون‌متن و ماهیت هستی‌شناسانهٔ اطلاعات جستجو کند.

## منابع:

- ۱- احمدی، بابک (۱۳۸۱)؛ کتاب تردید، نشر مرکز.
- ۲- احمدی، بابک (۱۳۸۰)؛ ساختار و تأویل متن، نشر مرکز.
- ۳- احمد، اکبر (۱۳۸۰)؛ پست مدرنیسم و اسلام، از پست مدرنیته و پست مدرنیسم، ترجمه و تدوین؛ حسینعلی نودری، انتشارات نقش جهان.
- ۴- بیک زاده، محمد رضا (۱۳۷۷)؛ گفتگوی تمدنها و فن‌آوری اطلاعات، فصلنامه اجتماعی سیاسی گفتمان، شماره ۳.
- ۵- بوریمر، جان آر، گیبینز (۱۳۸۱)؛ سیاست پست مدرنیته، ترجمه؛ منصور انصاری، انتشارات گام نو.
- ۶- تافلر، الوین (۱۳۷۴)؛ موج سوم، ترجمه؛ شهیندخت خوارزمی، انتشارات فاخته.
- ۷- تافلر، الوین (۱۳۷۵)؛ جابجایی در قدرت، ترجمه؛ شهیندخت خوارزمی، نشر سیمرغ.
- ۸- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۱)؛ گفتمان سردبیر، فصلنامه اجتماعی سیاسی گفتمان، شماره ۵.
- ۹- تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۷)؛ بینا-متنها/ بینا - تمدنها، بحثی در جغرافیای مشترک تمدنها، فصلنامه سیاسی اجتماعی گفتمان، شماره ۳.
- ۱۰- داوسن، مایکل و جان بلای فاستر (۱۳۷۹)؛ سرمایه‌داری مجازی و اقتصاد سیاسی بزرگراه اطلاعاتی، ترجمه؛ مهران مهاجر، از کتاب جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری، انتشارات آگاه.
- ۱۱- دراگر، پیتر اف (۱۳۸۲)؛ چالشهای مدیریت در سده ۲۱، ترجمه؛ محمود طلوع، انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۲- دراگر، پیتر اف (۱۳۷۵)؛ جامعه پس از سرمایه‌داری، ترجمه؛ محمود طلوع، انتشارات مؤسسه فرهنگی رسا.
- ۱۳- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲)؛ پدیده جهانی شدن (وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی)، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات آگاه.
- ۱۴- ساراپ، مادن (۱۳۸۲)؛ پسا ساختارگرایی و پسامدرنیسم، ترجمه؛ محمد رضا تاجیک، نشرنی.
- ۱۵- سینزوود، آلن میک (۱۳۷۹)؛ مدرنیته، پسامدرنیته یا سرمایه‌داری، ترجمه؛ مهران مهاجر، از جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری، انتشارات آگاه.
- ۱۶- سیف، احمد (۱۳۸۲)؛ جهانی کردن؛ واپسین مرحله امپریالیسم، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال هجدهم، شماره اول و دوم.
- ۱۷- شایگان، داریوش (۱۳۸۱)؛ افسون زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار، ترجمه؛ فاطمه ولیانی، انتشارات فرزانه.
- ۱۸- شولت، یان آرت (۱۳۸۲)؛ نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه؛ مسعود کرباسیان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۹- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۰)؛ تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲۰- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)؛ ژئوپلیتیک در قرت بیست و یکم، انتشارات سمت.

- ۲۱- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)؛ عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای، جلد اول، ترجمه؛ احد علیقلیان و افشین خاکباز، انتشارات طرح نو.
- ۲۲- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)؛ جهانی شدن، فرهنگ و هویت، نشر نی.
- ۲۳- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)؛ نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۱.
- ۲۴- لیوتارد، ژان فرانسوا (۱۳۸۰)؛ وضعیت پست مدرن، انتشارات گام نو.
- ۲۵- مک چسنی، رابرت (۱۳۷۹)؛ مبارزه جهانی برای ارتباط دموکراتیک، ترجمه؛ محمد نبوی، از جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری، انتشارات آگاه.
- ۲۶- میر محمدی، داوود (۱۳۸۱)؛ جهانی شدن، ابعاد و رویکردها، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۱.
- ۲۷- نیچه، فریدریش (۱۳۸۲)؛ غروب بت‌ها، ترجمه داریوش آشوری، انتشارات آگاه.
- ۲۸- نیچه، فریدریش (۱۳۷۵)؛ فراسوی نیک و بد، ترجمه؛ داریوش آشوری، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- ۲۹- نیچه، فریدریش (۱۳۸۲)؛ چنین گفت زرتشت، کتابی برای همه کس و هیچ کس، ترجمه؛ داریوش آشوری، انتشارات آگاه.
- ۳۰- نودری، حسینعلی (۱۳۸۰)؛ مدرنیته و مدرنیسم، انتشارات نقش جهان، چاپ دوم، واژگان توصیفی اصطلاحات و تعبیر مدرنیته و پست مدرنیته.
- ۳۱- وبستر، فرانک (۱۳۸۰)؛ نظریه‌های جامعه‌اطلاعاتی، ترجمه؛ اسماعیل قدیمی، انتشارات قصیده سرا.
- ۳۲- هایدگر، مارتین (۱۳۷۷)؛ پرسش از تکنولوژی، از فلسفه تکنولوژی، نشر مرکز.
- 33-*Abou. A. S, Manal* (2003)؛ Cultural globalization and changes in the urban form of metropolis cities, [www.google.com](http://www.google.com).
- 34-*Baylis. (Negative) and Steve Smith* (1997); The Globalization of world politics, OXFORD UNIVERSITY PRESS,.
- 35-*Cox. W. Robert* (2002); Civilization and the twenty- first century (some the oretical consideration), In Globalization, Civilization and world order, ROUTLEDGE.
- 36-*Mozaffari. M* (2002); Globalization, Civilization and world order, In Globalization, civilization and world order, ROUTLEDGE.
- 37-*Piut. Ag. I*; Globalization؛ Implication to lecturers in meeting the Pedegogical Challenges Ahead... prepared, [Http://seamonkey.ed.asu.edu/micisaac/finrs.html](http://seamonkey.ed.asu.edu/micisaac/finrs.html), 2003.
- 38-*Tsering. T*; Globalization to TIBET, Division of Ploitical Science, Mark o. Hatheld School of government Portland state university, portland, OR, 2003.
- 39-*Waterz. M*; Globalization, 2<sup>nd</sup> Edition, ROUTLEDGE, 2001.
- 40-*Waterz, M*; Globalization, London, 1995.